

بسم الله الرحمن الرحيم

پیمان نامه‌ی «اوپک پلس»

(ترجمه)

**پرسش:**

سایت‌الریاض به تاریخ 9 جولای 2019م با انتشار خبری نوشت که: "عربستان سعودی در توافق‌نامه‌ای که روز سه‌شنبه گذشته توسط سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» به علاوه سایر کشورهای تولیدکننده نفت خارج از این سازمان "پلس"، نقش مؤثری داشته. این توافق‌نامه، «ائتلاف وین» نام گرفت. پرسش این است که آیا این به معنی تشکیل سازمان جدیدی به جای سازمان اوپک است؟ و این که آیا این نقش سعودی برخاسته از خواست خود آن است و یا انگیزه‌های بیرونی دارد؟ منفعت سعودی در این ائتلاف چیست؟ و این ائتلاف جدید تا چه حد دوام خواهد یافت؟ جزاکم الله خیراً کثیراً!

**پاسخ:**

برای روشن شدن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، امور ذیل را به بررسی می‌گیریم:

**اول: واقعیت این توافق از این قرار است:**

سازمان اوپک، که 14 عضو دارد، به تاریخ 2 جولای 2019م در وین توافق نمودند که با 10 دولت دیگر و در رأس آن روسیه، که یکی از تولیدکننده گان بزرگ نفت است، پیمان همکاری داشته باشند. این توافق در جریان گردهمایی وزیران خارجه دولت‌های عضو ناتو با تولیدکننده گان نفت صورت گرفت و "ائتلاف وین - اوپک پلس" نام گرفت و قرار شد پیمان نامه‌های آن در خزان آینده و در جریان سفر رئیس‌جمهور روسیه به سعودی، رسماً امضاء شود. هم‌چنین وزرای 24 دولت شرکت‌کننده در این گردهمایی توافق نمودند که توافق کاهش تولید نفت، که از دو سال و نیم به این طرف عملی می‌شود، برای نه ماه دیگر نیز ادامه داشته باشد. توافق یادشده در اصل به هدف استحکام روابطی بود که در جریان سه سال گذشته و در پی افت شدید بهای نفت در سال 2014م میان روسیه و عربستان سعودی "اوپک" به وجود آمده بود. بهای نفت در آن زمان به اوج خود؛ یعنی 147 دالر در ازای یک بشکه رسیده بود که پس از آن شروع به کاهش نمود تا این که در اوایل سال 2016م بهای هر بشکه به 27 دالر نزدیک شد. این‌ها تلاش‌هایی بود که به هدف تنظیم جریان قیمت‌ها از طریق هماهنگ نمودن عرضه و تقاضای جهانی صورت می‌گرفت. عربستان سعودی در آن برهه، توافق سازمان اوپک با روسیه را برای کاهش تولید رهبری می‌نمود. بر اساس آن توافق؛ قرار شد سازمان اوپک 1.2 میلیون بشکه از تولید روزانه‌اش را کاهش دهد، به شرط آن که روسیه نیز حدود 300 هزار بشکه از تولید روزانه‌اش را کاهش دهد. به این ترتیب، عملاً جلو فروپاشی قیمت نفت گرفته شد و پس از آن توافق بود که قیمت هر بشکه تا 55 دالر افزایش

پیدا نمود و روند صعود قیمت‌ها در دو سال گذشته هم‌چنان ادامه داشت و طبیعی است که این روند رضایت تولیدکننده‌گان نفت را در پی دارد.

بر اساس ائتلاف جدید تولیدکننده‌گان نفت؛ دو دولت مهم دیگر تولیدکننده نفت، به سازمان اوپک علاوه خواهد شد؛ مانند: قزاقستان، مکزیک و آذربایجان به علاوه روسیه. این ائتلاف جدید "اوپک پلس" 47% تولید نفت جهانی را در اختیار خواهد داشت، در حالی که سازمان اوپک به تنهایی در حدود یک سوم تولید جهانی را داشتند؛ یعنی ائتلاف یادشده، تولیدکننده‌گان بزرگ نفت جهانی را تا حدود زیادی کمک خواهد نمود تا قیمت‌های نفت را زیر کنترل خود داشته باشند. اما این از نظر تئوریک صدق می‌کند و اما از نظر عملی باید گفت که امور زیاد دیگری وجود دارد که بالای این توافق سایه می‌افکند، از جمله:

توافق جدید، سازمان اوپک را لغو نکرده؛ بلکه اعضای آن با شمار دیگری از تولیدکننده‌گان نفت، که مهم‌ترین آن روسیه است، به توافق رسیده‌اند و این یعنی آن که توافق جدید قابلیت فسخ شدن را دارد؛ زیرا این یک سازمان جدید و بدیلی از اوپک نیست؛ یعنی پیمان اوپک هم‌چنان پابرجاست و دولت‌های جدیدی اینک زیر چتری به نام "اوپک پلس" گرد هم جمع شده‌اند و این چتری است که جمع شدن زیر آن کاملاً اختیاری است و دولت‌های جدید می‌توانند از زیر آن بیرون روند.

این توافق توسط واقعیت جدیدی بالای اعضای آن تحمیل گردیده که اخیراً در بازارهای جهانی رونما شده و آن عبارت از نفت شنی امریکاست، نفتی که تولید آن هنوز بر اساس قیمت‌ها در نوسان است و انتظار نمی‌رود این نوسان‌ها پیش از سال 2025م متوقف شود. بنأء به گمان اغلب؛ این توافق جدید تا زمان ثبات تولید نفت شنی در ایالات متحده و روشن شدن نقش و تأثیر آن در بازارهای جهانی، ادامه داشته باشد.

سعودی برجسته‌ترین عضو اوپک است که این توافق را امضاء نموده و می‌دانیم که سعودی دولتی است که مزدوری امریکا را می‌کند و نمی‌تواند بیرون از چهارچوب سیاست‌های امریکا حرکت نماید، بنأء دست امریکا در این توافق با قوت تمام احساس می‌شود و توافق سعودی با روسیه در این ائتلاف؛ طبعاً از تحولات جدید سیاست امریکا متأثر خواهد بود.

**دوم:** انگیزه‌های ایجاد این توافق:

پس از آن که بهای نفت در سال 2014م، شروع به افت نمود، هماهنگی میان دولت‌های تولیدکننده برای محدود نمودن میزان نفت عرضه شده به بازارهای جهانی یک امر ضرور و مهم شد، تا بتوانند بالای قیمت نفت بر اساس نیازمندی‌های بازار تسلط پیداکنند؛ یعنی بر اساس نظریه عرضه و تقاضا. در دهه‌های گذشته این کار در داخل سازمان اوپک، که شامل بزرگ‌ترین تولیدکننده‌گان نفت می‌شد، صورت می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر روسیه به یکی از تولیدکننده‌گان عظیم نفت تبدیل شده و روزانه بیش از 11 میلیون بشکه نفت تولید می‌کند؛ یعنی 10% از مجموع تولید جهانی. روسیه همواره پیگیر حجم تولید اوپک بود؛ هرگاه اوپک تولیدش را کاهش می‌داد و در نتیجه، قیمت‌ها بالا می‌رفت، روسیه با استفاده از این فرصت، میزان تولیدش را افزایش می‌داد؛ زیرا مجبور نبود به تصامیم اوپک پای‌بند باشد. این واقعیت امریکا را آزار می‌داد، به ویژه با توجه به این که

تحریم‌هایی را بالای روسیه اعمال نموده بود. بناءً، عربستان سعودی را مکلف نمود تا به صفت بزرگ‌ترین تولیدکننده و مؤثرترین عضو اوپک، سعی کند با استفاده از اسالیب لازم، ائتلافی را میان اوپک و روسیه شکل دهد تا بتوان با استفاده از آن، تولیدات روسیه را بر اساس قوانین اوپک و هماهنگی‌ها میان سعودی و روسیه، منضبط و محدود نماید.

برای این‌که این هماهنگی‌ها مصداق عملی پیداکنند؛ دیدیم که روابط سعودی و روسیه بعد از سال 2014م، رو به بهبود گذاشت، چنان‌چه ملک سلمان به تاریخ 4 اکتوبر 2017م به مسکو سفر نمود و این نخستین سفر یک شاه سعودی به روسیه بود؛ هم‌چنین رئیس‌جمهور روسیه و ولی‌عهد سعودی چندین بار با هم دیدار نمودند و در این دیدارها روی چگونگی فراهم‌آوری امکانات عقد قراردادهای عظیم تسلیحاتی و روی آوردن سعودی به کارخانه‌های نظامی روسیه بحث و گفتگو صورت گرفت و با این کار؛ اشتباهی روسیه به این قراردادها باز گردید. به این ترتیب مرحله نوینی از روابط نفتی میان سعودی و روسیه آغاز شد و تمام این کارها در جریان حاکمیت مزدور امریکا در سعودی "سلمان و پسرش" صورت گرفت. تلاش‌ها در این جهت میان سعودی و روسیه سرانجام به تاریخ 3 نومبر 2016م با امضای نخستین توافق میان اوپک و 11 دولت دیگر و در رأس آن روسیه، برای کاهش تولید نفت نتیجه داد و بر اساس این قرار داد، اعضای اوپک 1.2 میلیون بشکه از تولید خویش را کاهش دادند و 11 دولت دیگر مجموعاً 560 هزار بشکه از تولید روزانه‌شان را کاهش دادند، که سهم روسیه از آن به 300 بشکه می‌رسید. سعودی پیش از این توافق و مشخصاً به تاریخ 4 نومبر 2016م هشدار داده بود که بازارهای جهانی را غرق نفت خواهد نمود و این هشدار بود که روسیه را تشویق نمود از بیم غرق شدن بازارها با نفت سعودی و کاهش قیمت‌ها، با سعودی کنار آمده و توافق فوق را امضاء کند؛ زیرا در حدود 50% از بودجه روسیه از صادرات انرژی (نفت و گاز) آن تأمین می‌گردد؛ بناءً نگران بود غرق شدن بازارها با نفت سعودی باعث شود در مضیقه اقتصادی بی‌افتد.

این توافق‌نامه پیامدهای مثبتی بالای قیمت نفت داشت؛ چنان‌چه قیمت هر بشکه نفت به مجرد امضای آن توافق‌نامه افزایش یافت؛ اما این توافق برای شش ماه بود؛ سپس مشاجره‌های طویل و عریضی برای تمدید آن بالاگرفت، طوری که روسیه به گونه‌ای عام؛ به ویژه که قیمت نفت خوب بود، خواستار افزایش تولید بود تا بودجه مالی خویش را تأمین نماید؛ اما سعودی خواستار تداوم کاهش تولید، به عنوان سیاستی ثابت خویش بود، هرچند هر از گاهی هشدار می‌داد که تولیدات را به پیمانانه زیادی افزایش داده و بازارها را مختل خواهد نمود. این هشدارهای همیشه در واکنش به تلاش‌های روسیه برای پایان دادن به روند کاهش تولید صورت می‌گرفت. رئیس‌جمهور امریکا در یک بازی علنی؛ البته برای کسانی که چشم بینا دارند، همواره از سعودی می‌خواست تا میزان تولید نفت‌اش را برای مهار نمودن قیمت‌ها افزایش دهد؛ اما هدف اصلی این بود که روسیه را تشویق کند در روند کاهش تولید مجدداً با سعودی سهیم شود و با این کار؛ طوری وانمود کند که انگار روسیه در برابر سیاست‌های رئیس‌جمهور امریکا مقاومت می‌کند و در عین حال می‌ترسد که مبادا سعودی به خواست امریکا پاسخ مثبت داده و تولیدات را افزایش دهد و به این ترتیب علی‌رغم میل باطنی خود، در فرایند کاهش تولید با سعودی همگام شود. به عنوان مثال می‌توان به این مورد اشاره نمود: "ترامپ روز شنبه در صفحه‌ی تویتر خویش نوشت که وی با شاه سلمان بن عبدالعزیز صحبت نموده و از وی خواسته تولیدات نفتی کشور شاهی عربستان سعودی را افزایش دهد، افزایشی که ممکن است تا دو میلیون بشکه در روز برسد، تا باشد که روند افزایش قیمت‌ها متوقف شود و شاه سلمان درخواست او را پذیرفته است". (منبع: العربی‌الجدید 1 جولای 2018م)

خشم و ناراحتی روس‌ها از کاهش تولید را می‌توان در اظهارات ایگور ستیشن رئیس اجرایی شرکت بزرگ نفتی روسیه موسوم به روس نفت ملاحظه نمود که شبکه‌ی خبری عین آن را به تاریخ 5 جون 2019م منتشر نمود: "در صورتی که توافق جهانی برای کاهش تولید ادامه پیدا کند، شرکت ما در جستجوی بدیلی برای حکومت بیرون خواهد شد." ستیشن با طرح این پرسش که منطق کاهش بیشتر تولید توسط روسیه چیست در حالی که عضو توافق سازمان کشورهای صادرکننده پترول "اوپک" و هم‌پیمانان آن نیست؟ وی افزود: "ممکن است ایالات متحده تولید خویش را افزایش داده و سهم روسیه از بازارهای جهانی را در اختیار گیرد." این بدان معنی است که روسیه کاهش تولید را به نفع خود نمی‌دید؛ اما هشدار سعودی مبنی بر افزایش تولید و غرق نمودن بازارها با نفت و در نتیجه آن کاهش قیمت‌ها به گونه‌ی قابل ملاحظه باعث خواهد شد درآمد مالی روسیه از تولیدات نفت، با وجود افزایش تولید، کاهش داشته باشد و پیامد آن برای روسیه مضر خواهد بود؛ زیرا در حدود نیمی از بودجه مالی روسیه از درک پترول تأمین می‌گردد؛ بناءً برخلاف میل خویش با کاهش تولید موافقت نمود. به این ترتیب قیمت‌ها افزایش پیدا نمود تا صدور نفت شنی به صرفه تمام شود و این کار زمینه‌گسترش فعالیت‌های شرکت‌های نفتی امریکا را فراهم خواهد آورد. یعنی این که سعودی، شمشیر امریکا بر سر روسیه است تا هرگاه لازم ببیند با استفاده از آن روسیه را وادار کند تولیدش را کاهش دهد.

برای درک بهتر اهمیت کاهش تولید برای امریکا، باید گفت که امریکای امروز در خصوص نفت با امریکای دیروز فرق دارد؛ زیرا تولید نفت شنی در ایالات متحده حالا دیگر به یک واقعیت عینی تبدیل شده و تولید آن پیوسته در حال افزایش است و این افزایش برای اقتصاد امریکا یک مسأله حیاتی است، امریکایی که از حجم عظیم قرضه‌های جهانی رنج می‌برد. تولید نفت شنی و افزایش روز افزون آن نیاز به شرایط مناسب بازاری، به خصوص قیمت‌ها، دارد و درست به همین دلیل است که امریکا، سعودی را موظف نموده تا از میزان تولید نفت اوپک بکاهد؛ زیرا این کار از یک طرف به شرکت‌های امریکایی فرصت می‌دهد به ساده‌گی سهم بیشتری از بازار را در دست گیرند و از طرف دیگر، قیمت نفت هم‌چنان بلند باقی می‌ماند؛ یعنی این که برای تولید کننده‌گان نفت شنی امریکا به صرفه خواهد بود. برای این که تولید نفت شنی به صرفه باشد، باید قیمت هر بشکه آن حد اقل 69 دلار باشد؛ اما ساخت و گسترش تکنالوجی استخراج این نوع نفت باعث شده این مبلغ کاهش یابد. شکی نیست که امریکا نفت شنی خویش را وسیله‌ای برای تکیه زدن بر مقام صادرات بازارهای نفت می‌بیند.

امریکا با استفاده از سعودی برعلیه روسیه از سیاست چماق/چوب و زردک استفاده می‌کند؛ اگر هشدار سعودی به روسیه مبنی بر افزایش تولید و در نتیجه آن کاهش قیمت‌ها را چماق/چوب تعبیر کنیم، مطمئناً زردکی که به روس‌ها داده می‌شود این خواهد بود که روس‌ها گمان می‌کنند در خاورمیانه نقش و نفوذ بیش‌تری به دست آورده‌اند؛ چنان‌چه شاه سلمان در سال 2017م به مسکو سفر نمود و این نخستین سفر یک شاه سعودی به روسیه بود و سعودی در آن سفر از رئیس‌جمهور روسیه دعوت نمود تا در خزان آینده به سعودی سفر کند، که این سفر نیز در نوع خود نادر و مطلقاً دومین سفر به شمار می‌رود. هم‌چنین پس از دیدار پوتین با بن سلمان در جریان نشست بیست، که به تاریخ 29 جون 2019م در شهر اوساکای جاپان صورت گرفت، این پوتین رئیس‌جمهور روسیه بود که قبل از دیگران در مورد توافق وین خبر دارد، «رئیس‌جمهور روسیه به امیر محمد بن سلمان ولی‌عهد سعودی گفت که وی در خصوص گفتگوهای همکاری میان دوکشور در مورد بازارهای انرژی خرسند است». پوتین هم‌چنین افزود: «مشارکت استراتژیک در داخل "اوپک پلس" باعث شده بازارهای نفت ثبات پیدا نموده و زمینه را برای کاهش و افزایش تولید بر

اساس تقاضای بازار فراهم نموده و بدین وسیله می‌توان افق سرمایه‌گذاری‌ها در این عرصه و رشد آن را پیش‌بینی نمود». پوتین اعلان نمود: «این توافق به همین شکل و کمیت موجود تمدید خواهد شد». (منبع: اندپندنت عربی 29 جون 2019م) موارد ذکر شده به روسیه این احساس را داده که گمان کند در سعودی و در داخل سازمان اوپک نفوذ داشته و به این ترتیب بالای بازارهای نفت جهانی تأثیر مهمی دارد! امریکائی‌ها برای ترسیخ و استحکام این باورهای دروغین در اذهان روس‌ها، طوری وانمود می‌کنند که انگار از این توافق راضی نیستند: بوردوف، که در حکومت اوپاکا به صفت مشاور انرژی فعالیت می‌نمود در اظهاراتی گفت: «ایالات متحده از این که می‌توانست با بسیاری از دولت‌های مهم عضو اوپک گفتگو کند خرسند بود و از آن لذت می‌برد؛ اما اینک کشوری در این توافق دخیل شده، آن هم در سطح رهبری، که از دشمنان امریکا به شمار می‌رود». (منبع: العربیه نت 3 جولای 2019م) منبع مذکور هم‌چنین گفته: مایک پومپئو وزیر خارجه امریکا در پاسخ به پرسشی که در اوایل سال جاری از وی شد مبنی بر این که آیا پوتین می‌تواند با استفاده از دیپلماسی نفتی، روسیه را در خاورمیانه جای‌گزین ایالات متحده نماید؟ گفت: «من مطمئنم که تلاش‌های پوتین ناکام خواهد شد».

این بود واقعیت این پیمان و آن هم انگیزه‌هایی که در پس آن قرار دارد و باید گفت که بعید به نظر می‌رسد چنین توافقی عملی شود؛ زیرا روسیه همواره سعی نموده از این محدودیت‌ها فرار نموده و با استفاده از بلند رفتن قیمت نفت، تولیدات‌اش را افزایش دهد، به ویژه با توجه به این که شرایطی مانند جنگ تجاری و پیامدهای آن بالای قیمت‌های نفت، احتمال ثبات مجدد تولید نفت در ونزوئلا، لیبیا و ایران و پیامدهای آن بالای بازار نفت ممکن است در آینده‌های نزدیک باعث شود پای‌بندی روسیه به این توافق را پیچیده‌تر نماید، به علاوه این که ذخایر نفتی روسیه که تا کنون کشف شده در جریان 20 سال آینده و بر اساس تولید فعلی، خشک خواهد شد و این واقعیت، روسیه را وا خواهد داشت تا در رقابت با زمان سعی کند در این مدت نه چندان زیاد، منافع بیشتری را جلب نماید؛ مگر این که در جریان این مدت، چاه‌های جدید نفت در روسیه کشف شود. اما ممکن است این توافق‌نامه تا سال 2025م پابرجا بماند و این همان سالی است که انتظار می‌رود میزان تولید نفت شنی امریکا در آن ثبات پیدا کند و تأثیر آن به صورت واضح بالای بازارها معلوم گردد و روسیه سیاست نفتی خویش را بالای آن واقعیت بنا کند، واقعیتی که در حال حاضر کاملاً پوشیده و نامرئی است.

سر انجام باید گفت در صورتی که سیاست پشت پرده امریکا مبنی بر تحریک سعودی برای پیش بردن سیاست چماق/عصا و زردک با روسیه؛ یعنی اجبار آن به افزایش تولید نفت و تلقین نفوذ جدیدش در منطقه‌ی خاورمیانه و موفق شدن سعودی در تحریک روسیه به جانب پیمان "اوپک پلس" علی‌رغم میل آن، در صورتی که امریکا در این سیاست موفق شود، امیدواری آن به موفقیت در سایر سیاست‌ها نیز افزایش خواهد یافت؛ مانند سیاست اعمال فشار و تحریم‌ها بالای روسیه به هدف واداشتن آن برای خدمت به امریکا برعلیه چین. در صورتی که امیدواری امریکا به دلیل موفقیت در نقشه "اوپک پلس" افزایش یابد، فشارهای امریکا برعلیه روسیه شدت بیشتری خواهد گرفت. هرچند ممکن است امریکا در کنار فشارهایش، زردک‌های دروغینی نیز برای ساده نمودن نیرنگ‌های خویش به روسیه نشان دهد تا رفته‌رفته روسیه را تبدیل به مزدور خویش در اطراف چین نماید. چنان‌چه ترامپ این سیاست را عملاً در حاشه نشست بیست و نهم به تاریخ 29 جون 2019م در جاپان آغاز نمود، آن‌جا که خطاب به پوتین گفت که اگر مایل است امریکا به معاهده موشک‌های میان‌برد برگردد، باید سعی کند چین را نیز در این معاهده شریک نماید. از

آن جایی که روسیه این معاهده را برای امنیت خویش حیاتی می‌بیند، مطمئناً بالای چین فشار خواهد آورد تا آن را بپذیرد؛ اما از آن جایی که انتظار می‌رود چین حاضر نشود آن را بپذیرد؛ پس میان روسیه و چین کشمکشی راه خواهد افتاد و این کشمکش روند قرار گرفتن روسیه در کنار امریکا را در ماحول چین آسان خواهد نمود. با این حساب؛ "ائتلاف جدید وین" برای مهار نمودن بازار نفت در حقیقت دام امریکائی است که برای روسیه در نظر گرفته شده و موفقیت امریکا در این سیاست از نظر استراتژیک ابعاد بزرگ‌تری خواهد داشت.

به این ترتیب؛ دیده می‌شود که حکام سرزمین‌های مسلمانان، سرمایه‌های ما را خرج بازی‌های سیاسی میان دولت‌های استعمارگر کافر می‌کنند؛ طوری که اگر منافع این دولت‌ها در کاهش تولید نفت باشد، حکام خائن لیبیک گویان تولید را کاهش می‌دهند و اگر منافع آنان افزایش تولید را تقاضا کند باز لیبیک گویان آن را افزایش می‌دهند. اگر منافع کفار در این باشد که سرمایه‌های ما را به بهای ناچیز به دست آورند، این حکام خائن بی‌درنگ با آن موافقت می‌کنند و حتی در صورتی که منافع کفار تقاضا کند این سرمایه‌ها را کاملاً رایگان و به بهانه حفاظت از مقام و موقف حکام خائن به دست آورند، حکام فرومیه و خائن سرزمین‌های مسلمانان سرهای خویش را به نشانه موافقت تکان داده و به خاطر حفاظت از نظام‌های فاسدشان، از کفار اظهار امتنان نیز می‌نمایند. این حکام در دنیا به تعبیر قرآن کریم: (سُمُّ بَكْمِ عُمِّي فَهْمٌ لَا يَعْقِلُونَ) بوده و در آخرت کورتر و گمراه‌تر خواهند بود. راست می‌گوید الله سبحانه و تعالی آن‌جا که می‌فرماید:

(وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا)

**ترجمه:** هر که در این دنیا (از دیدن حق) کور باشد در آخرت کورتر و گمراه‌تر خواهد بود!

9 ذی القعدة 1440 هـ

12 جولای 2019 م

مترجم: دانشجو